

ادامه از صفحه اول

### مصالحه، کم‌هزینه‌ترین گزینه

توافق هسته‌ای که پس از ۲۲ ماه مذاکره فشرده و نفس‌گیر حاصل شد و در مجلس شورای اسلامی با وجود مخالفت‌ها در کمتر از یک ساعت به تصویب رسید، مشمول همین قاعده است. راه‌حل میانه‌ای بود که به دلیل «توازن قدرت» از طریق «مصالحه» بین ایران و قدرت‌های بزرگ بین‌المللی جهان به دست آمد. موضوع مورد مصالحه هم مشخص بود. برای غرب اطمینان از صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران و کنترل آن از طریق بازرسی‌های به‌شدت سخت‌گیرانه و نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. برای ایران خلاصی از قطع‌نامه‌های شورای امنیت، لغو تحریم‌ها و عادی‌شدن مناسبات با جهان. برای جهان هم همان‌طور که در مقدمه آن سند صراحتا ذکر شده «کمک به بهبود صلح و ثبات منطقه و جهان از طریق اجرای کامل توافق».

۴- افکار عمومی به‌شدت نگران مذاکرات وین است. مردم امیدوار بودند (و هستند) دولت سیزدهم که از بالاترین همسویی قوای مقننه و قضائیه و حمایت همه‌جانبه نهادهای نظام در مقایسه با دولت‌های پیشین برخوردار است، با دستیابی به توافق بازرگان آثار تحریم‌ها را از دوش آنها بردارد. افق‌های روشن را برای آینده فرزندان‌شان مشاهده کنند. سیاست خارجی کشور با رویکرد تنش‌زدایی دوره‌ای از آرامش برای کمک به توسعه فراراه کشور باز کند. مردم آثار شوم تحریم‌ها را در زندگی و در سفره‌هایی که هر روز کوچک‌تر می‌شود، احساس می‌کنند. با یک خبر از وین نرخ ارزهای خارجی و سکه مثل تتر از کمان جسته صعودی می‌شود. بازار سرمایه قفل می‌شود یا با سیر نزولی شاخص‌ها دار و ندار آنها دود شده و به هوا می‌رود. اگر باور نداشتید خبرنگاران مورد وثوق را به میان اقامت مردم بفرستید. اجماع افکار عمومی راه‌حل را در برون‌رفت از بحرانی می‌دانند که در دو دهه گذشته کشور را گرفتار و از مسیر بازشسته است. باید باور کرد که بدون توافق در بحران هسته‌ای ایران، گرهی از مشکلات کشور گشوده نخواهد شد. آفت مذاکرات در این دوره نگرش جناح سیاسی خاصی است که برجام را حیاتی می‌دانند و طرفداران آنها نیز مذاکره‌کنندگان را به سرنوشت استخر فرح حواله می‌دهند. به‌صراحت باید گفت این تحلیل که پیشرفت اخیر برنامه هسته‌ای ابزار مناسبی برای چانه‌زنی و وادارکردن طرف‌های مقابل برای دادن امتیازاتی بیش از آنچه در برجام پیش‌بینی شده باشد، مطابق واقع نیست. می‌توان آن را برای چانه‌زنی استفاده کرد که هم‌اکنون هم می‌کنند؛ ولی این تمام ماجرا نیست. این کش را نباید این‌گونه کشید که پاره شود. سابقه قطع‌نامه یعنی ورق پاره و مذاکره برای مذاکره پیش‌روی ماست و ملت و کشور هنوز بهای سنگین این نگاه را می‌دهد.

۵- تردیدی نیست با وجود اختلاف‌های عبیده سیاسی، مردم و نخبگان سیاسی و اقتصادی خواهان موفقیت تیم مذاکره‌کننده هستند. از شرایط توسعه سیاسی تفکیک منافع و مصالح ملی از جناح‌بندی‌های

سیاسی به‌ویژه در موضوعی مانند مذاکرات هسته‌ای است. این لزوماً به معنای موافقت با جناح سیاسی که هدایت مذاکرات را برعهده دارد، نیست. از پیشینه ذهنی و فکری دولت و دیپلماسی برخاسته از آن درباره توافق هسته‌ای آگاه هستیم. می‌دانیم که درچه نگاه دولت به جهان با عنایت ایدئولوژی است و عمل‌گرایی که لازمه توافق است، در بین آنها کم‌رنگ است. کسانی که حتی حاضر به ذکر عنوان برجام نبودند و برجام را خیانت ارزیابی کرده و آن را آتش می‌زدند، امروز به میز مذاکره بازگشته‌اند. باید از بازگشت به میز مذاکره استقبال کرد و در حد توان به آنها کمک کرد. چه بهتر که سر دلبران گفته‌آید، در حدیث دیگران، این یک موفقیت برای کشور در مسیر توسعه سیاسی است. مذاکره و مصالحه کم‌هزینه‌ترین راه برای خلاصی از بحرانی است که تمام ظرفیت‌های کشور را گرفتار کرده و سابقه دو دهه گذشته نشان می‌دهد که فرصتی مناسب‌تر از ادامه آن برای دشمنانی مانند رژیم صهیونیستی و رقیای منطقه‌ای ایران متصور نیست.

۶- نلسون ماندلا ۲۷ سال در زندان رژیم آپارتاید سپری کرد. برخلاف تصور غالب که تمام زندگی این شخصیت اسطوره‌ای را زمان رواداری و صلح ترسیم می‌کند، اتهام او خیانت به کشور بود که مجازات آن اعدام است. ماندلانیان گزار سازمان «میزه ملت» بازوی مسلح کنگره ملی آفریقا برای مبارزه مسلحانه علیه آپارتاید بود. در کتاب خاطراتش ملاقات طولانی خود با آلبرت لوتولی (۱۹۶۷–۱۸۹۸) رئیس وقت کنگره و برنده اولین جایزه صلح نوبل از قاره آفریقا را بیان می‌کند که یک شب صبح با او بحث کرد تا رئیس خود را به راه‌اندازی سازمان مخفی و مسلحانه نیزه ملت راضی کند. ماندلا ریاست این سازمان مسلحانه مخفی را برعهده گرفت. عملیات‌های متعددی علیه رژیم را رهبری کرد. پس از دستگیری و پس از محاکمه با تعدادی از رفقاای خود به زندان مادام‌العمر محکوم شد. در سال‌های پایانی دهه دوم زندان به این باور رسید که نه رژیم آپارتاید قادر است صدای مردم را با سنسکوپ خفه کند و نه کنگره ملی می‌تواند با توسل به قوه قهریه رژیم را ساقط کند. به درخواست رژیم که به دنبال برون‌رفت از شرایط غیرقابل قبول تحریم و فشار مجامع جهانی بود، پاسخ مثبت داد و مذاکره را برای رهایی ملت خود برگزید. در طی مسیر و «راه دشوار آزادی» ملامت‌های زیادی را از دوستان و یاران خود شنید، ولی مصمم بود که این کم‌هزینه‌ترین راه برای رهایی مردمش از رژیم منحوس آپارتاید است. آنچه ماندلا را در جهان به سیاست‌مداری افسانه‌ای و اسطوره‌ای بی‌بدیل تبدیل کرد، شجاعت او در «مصالحه» با دشمن» برای کشور و مردم آفریقای جنوبی بود.

## سیاست

به مناسبت ۱۶ آذر

# جنبش دانشجویی زیر سایه کرونا



عکس: مصطفی روزگی، میزبان

خطرناک پایان‌نامه‌سازی و مدرک‌سازی شنیده می‌شود، متوقف شود.

همه می‌دانیم کارکرد و ظرفیت دانشگاه‌ها بسیار بالاست؛ ولی بهره‌مندی از این ظرفیت الزاماتی مثل اختیارات و امکانات دارد تا دانشجو بتواند نقش آفرینی خود را افزایش دهد و در فرایند توسعه پایدار برای جامعه مفید باشد.

ازجمله الزامات این است که دولت‌ها بیش از هر ارگان و ساختاری مؤثر هستند و فراهم‌کردن شرایطی که دانشگاه‌ها بتوانند ظرفیت‌های انسانی عظیم کشور را برای توسعه و پیشرفت پای کار بیاورند، نیازمند فضای بانه، سالم، آزاد و با نشاط برای فعالیت علمی است. دانشجو و استاد باید احساس کنند در فضای آزاد برای تضارب آرا و تفکر نقادانه قرار دارند. بدترین آفت‌ها برای فعالیت علمی و دانشگاهی برخورد امنیتی در بحث تفکر و اتهام‌زدن به استادان به خاطر طرح موضوعات یا ارائه مباحث نظری بوده که می‌تواند دانشگاه را به سمت بی‌تفاوتی، ناامیدی و بی‌علاقگی نسبت به علم و تحقیق و پژوهش برید؛ بنابراین چنین خطری باید مورد توجه دولت‌ها قرار گیرد تا فضای دانشگاه نه از زاویه امنیتی و مسائل خاص، بلکه از زاویه ظرفیت عظیم علمی و فرهنگی کشور دیده شود.

از این نظر بحث آزادی بیان بسیار مهم بوده و تأکیدات مقام معظم رهبری برای توسعه کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها به شکل درست اجرا نشده است. هنوز اخباری دال بر محدودیت برای استادان چه در مراحل انتخاب و گزینش و چه در مراحل بعدی کاری وجود دارد؛ این ضربه‌ای جدی و از دلایل مایوس‌شدن و حتی مهاجرت نخبگان است که اغلب مشاهده می‌شود. به علاوه، دانشگاه فرصت بزرگی برای رشد و اعتلای فرهنگی و معرفتی جامعه بوده اما این نیز در فضایی با نشاط امکان دارد. البته مشکلات ناشی از پاندمی کرونا، بسیاری از فرصت‌ها در دانشگاه‌ها و نیز کل جامعه را تحت تأثیر قرار داد و مشکلات اقتصادی برای دانشجویان به دنبال داشت که سبب دورشدن دانشگاه‌ها از فعالیت‌تشکل‌های دانشجویی شد و بسیاری از فرصت‌ها را رشد برای دانشجویان را نابود کرد؛ اگرچه انجمن‌های دانشجویی قبل از کرونا نیز تحت‌تأثیر یک‌سری سیاست‌ها از حمایت‌ها و آزادی‌های لازم برخوردار نبودند و فعالیت‌تشکل‌های غیرمسمو محدود و دشوار بود.

مهارت‌های زندگی امروزه از موضوعات مهم برای دانشجویان است. در دوره دانشجویی باید مهارت‌های تفکر خلاق، مهارت‌های حل‌وفصل اختلاف و مهارت‌های گفت‌وگوی مؤثر را فراگرفت؛ فراگرفتن اینها برای همه افراد جامعه ضروری بوده و دانشگاه بهترین مکان برای آن است. این مهارت‌ها در کنار مهارت‌های کارآفرینی و ایجاد اکوسیستم‌های لازم برای رشد کسب‌وکار دانش‌بنیان که به آن اشاره شد، مکمل یکدیگر هستند. ما در دولت ۱۲ در قالب طرح‌هایی مانند کمند (کار، مهارت، نوآوری) برای دختران دانشجو و طرح سفیران فرهنگی حرکت کردیم که باید در سطوح و رشته‌های مختلف در سراسر کشور تداوم یابد. از زمینه‌های تحولی، همچنین اجرای طرح‌های مدیریت سبز با همکاری دانشجویان است که در دولت ۱۱ مورد حمایت دولت قرار داشت و علاوه بر نشاط و تحرک سبب رتبه‌بندی جهانی برای دانشگاه‌های فعال ایرانی شد. مدیریت سبز خود از ظرفیت‌های دانشگاه برای الگوسازی عملی حفاظت از محیط زیست است. اگر چنین فضا و الزاماتی فراهم شود و امکان تضارب آرا، طرح دیدگاه‌های اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی در دانشگاه‌ها وجود داشته باشد، حتماً دانشجو نقش کلیدی و بسیار مؤثر در تحولات جامعه ایفا می‌کند.

این را نیز نگفته نگذارم که از الزامات مهم در هم‌راستای مرزهای دانش برای پیشبرد امور کاربردی و پاسخ‌گویی به نیازهای کشور باید بتوانیم حرکت کنیم؛ برای همه کم‌وبیش روشن است؛ ولی دقت و توجه بیشتر دانشجویان و اساتوزهای آن را می‌طلبد که کارهای پژوهشی و علمی با کیفیت لازم صورت گیرد و آنچه از روند

و رسمی به حداقل خود رسیده یا اصلا در دو سال اخیر نداشته‌ایم، منتها به نظر من فعالان دانشجویی در حوزه پلتفرم‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی، تشکل‌یابی و کار جمعی خود را حفظ کرده‌اند و اتفاقاً نقش بیشتری هم در این فضاها بر عهده داشته‌اند؛ از لایوهای اینستاگرامی تا گروه‌ها و کلاب‌هاوس و… اتفاق افتاده و در جریان است. مسئله چیز دیگری است! از نیمه دهه ۸۰ به بعد محدودکردن جنبش دانشجویی مستقل به شیوه‌های مختلف در دستور کار قرار گرفت و اساساً آن فضای کاری که تشکل‌های دانشجویی در دهه ۶۰، ۷۰ و نیمه اول ۸۰ داشتند، به حداقل خود رسید. نهادهای نظارتی برای کنترل فضای دانشگاه‌ها برای فعالیت‌های سیاسی– صنفی دانشجویی خط قرمزها و پروتکل‌های سخت‌گیرانه‌ای گذاشتند و عملاً هیچ جریان مستقل دانشجویی فعالیت نداشت. در عین حال، به‌خصوص در هشت‌ساله دولت روحانی، جریانی راه افتاد که سوزه شعارها و کنش‌هایشان نقد و انتقاد از دولت بود. در واقع علم‌کردن مقابل چشم و ملت بیدارند، همواره این اختلافات باقی ماندند و باعث دامن‌زدن به اختلافات بیشتر خواهد شد. مردم جوانان به پایدار ایران، اصل

مطالبه این است که به جهت فائق‌آمدن بر بحران اقتصادی کشور، لازم است دولت جمهوری اسلامی ایران با محوریت و نقش آفرینی کلیدی استادان برجسته علوم اقتصادی در دانشگاه‌های ممتاز کشور به یک بسته جامع فکری و سیاستی مشترک و شفاف نائل آید که نسبت اشتراکات آن در اصول اساسی و اولویت‌های اجرایی بیش از اختلافات و تفاوت نظرات بین دولت‌مردان و اقتصاددانان باشد و سپس آن را به صورت رسمی به ملت شریف ایران ارائه کرد و در اقدام به آن پایبند باشند. این مهم میسر نمی‌گردد مگر آنکه مجموعه جمهوری اسلامی ایران شرایط را برای مباحث و گفت‌وگوی اندیشمندان اقتصادی و رجال سیاسی به صورت رسمی در رسانه‌های عمومی فراهم کند؛ م‌ثلاً نشست‌شدن این مباحث به صورت شرط است. نخست‌آنکه این مباحث به کپ و گفده و نمایش‌های رسانه‌ای خلاصه نشده و کشف راه‌حل اساسی انگیزه واقعی و جدی رجال سیاسی باشد. همچنین باید از حضور همه اندیشمندان اقتصادی برجسته استفاده گردد و فرصت برابر به دگراندیشان داده شود تا آنان نیز به تفصیل نظرات و ادله خود را به پیشگاه ملت و سایر اندیشمندان ارائه نمایند؛ توصیه جدی می‌نماییم که بگذارید اندیشه‌ها با هم بیکار کنند. سوم، رجال سیاسی در نظر داشته باشند که بدون تواضع در برابر علم و به‌کارگیری جدی آن موفقیتی انتظار نمی‌رود و خواسته ملت از آنان داده و رای علم را بپذیرند. چهارم، به استادان و صاحب‌نظران اقتصادی نیز لازم است که به ارائه نظراتی مبتنی بر اصول پذیرفته‌شده علم جهانی اقتصاد و دستاوردهای بشری آن دانش که به تجربه در ممالک پیشرفته دنیا کارآزمودگی و سودمندی خود را پس داده است اتکا نموده و از پافشاری بر نظرات شخصی بدون پشتوانه علمی جدا بپرهیزند. مورد آخر که از همه مهم‌تر می‌باشد، امر تصمیم‌گیری است. در عقب مباحثه و گفت‌وگو جمع‌بندی و انتخاب می‌آید و اینجاست که سرنوشت تعیین می‌گردد. ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود که در وهله اول دولت حاضر رویکرد اقتصاد وادی را اتخاذ نموده و رسماً اعلام نماید و سپس در انتخاب و ترکیب راه‌حلا و نظرات گوناگون اقتصادی دو معیار مرجعیت علمی و مجرب‌بودن را مدنظر قرار دهد؛ یعنی آن برنامه‌ای را که دارای سندیت علمی قوی‌تر بوده و کارآزمودگی خود را در شرایط مشابه در سایر ممالک دنیا پس داده باشد، افضل و ارجح بداند. تأکید می‌شود در صورت اتخاذ تصمیمات مبتنی بر شهود شخصی و نظرات و تصمیمات بدون پشتوانه علمی، کشور به سمت یک آزمایش خطرناک پیش خواهد رفت که موفقیت و شکست آن معلوم نخواهد بود. مسلح است که در شرایط خطیر کنونی هیچ‌گونه آزمون و خطایی قابل توجیه نمی‌باشد.

روزنه

بیانیه جمعی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی به مناسبت ۱۶ آذر

### بگذارید اندیشه‌ها با هم بیکار کنند

● شرق: جمعی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی کوی دانشگاه تهران در بیانیه‌ای نهادهای تصمیم‌گیر حکومت را به بهره‌گیری فراقیبر از دستاوردهای نهاد دانشگاه توصیه کردند. در این بیانیه که به مناسبت سالروز ۱۶ آذر– روز دانشجو– برای روزنامه «شرق» ارسال شده، آمده است: «قَلْ إِنَّمَا عَظُمَكُمْ بِوَأَحَدِ أَنْ تَقُولُوا لَهِ مَنِّي وَفِرَادِي. بگو شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم و آن اینکه دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید. با تقدیم درود و احترام به پیشگاه هم‌وطنان شریف، رنج‌کشیده و بردبار ایران. ملت شریف ایران، در زمان کنونی که زندگی روزمره همگان دچار سختی زاید‌الوصفی شده است آنچه می‌تواند یک ملت را سر پا نگه دارد آگاهی، تلاش و توکل است. ازتجاکه همواره برای هر دردی درمان و راه چاره‌ای وجود دارد، جمعی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی ساکنان کوی دانشگاه تهران کهغدغه سعادت ملت و آبادانی سرزمین مادری‌شان آنان را به دوری از انفعال واداشته است، حسب وظیفه ذاتی و وجدانی نهاد دانشگاه و رسالت دانشجو

که همنا روشنگری و آگاهی‌بخشی است، با هدف هم‌چوکردن ملت رنج‌دیده ایران به آگاهی ناب و اصل در این راه پای نهاده و اعلان می‌دارد که راه پیروزی بر بحران اقتصادی کشور هم‌گرایی و وحدت نهاد دولت و نهاد علم در رویکردها، سیاست‌ها و اقدامات اجرایی در حوزه‌های کلان اقتصادی کشور است. ملت عزیز ایران، عقلاً و وجدانا بر همگان لازم است که از دولت جمهوری اسلامی ایران به طور جدی و مستمر همفکری، هم‌گرایی و هم‌گامی دو نهاد دولت و دانشگاه را مطالبه نمایند؛ چراکه عقل سلیم حکم می‌کند خروج از هر بحران بدون مددجستن و رجوع به خاستگاه علمی آن ممکن نبوده و چه بسا خطرناک است. انتظار می‌رود اگر نهادهای تصمیم‌گیر حکومت قدر و منزلت واقعی برای اندگاه قابل هستند، به بهره‌گیری فراقیبر از دستاوردهای این نهاد بپردازند. البته اختلاف نظر و تکرر آرا بین و درون هر دو نهاد وجود دارد؛ اما اگر نمایندگان نهاد دانشگاه به همراه دولت‌مردان و رجال سیاسی نتوانند به بحث و اظهارنظر جدی در مقابل چشم و ملت بیدارند، همواره این اختلافات باقی ماندند و باعث دامن‌زدن به اختلافات بیشتر خواهد شد. مردم جوانان به پایدار ایران، اصل مطالبه این است که به جهت فائق‌آمدن بر بحران اقتصادی کشور، لازم است دولت جمهوری اسلامی ایران با محوریت و نقش آفرینی کلیدی استادان برجسته علوم اقتصادی در دانشگاه‌های ممتاز کشور به یک بسته جامع فکری و سیاستی مشترک و شفاف نائل آید که نسبت اشتراکات آن در اصول اساسی و اولویت‌های اجرایی بیش از اختلافات و تفاوت نظرات بین دولت‌مردان و اقتصاددانان باشد و سپس آن را به صورت رسمی به ملت شریف ایران ارائه کرد و در اقدام به آن پایبند باشند. این مهم میسر نمی‌گردد مگر آنکه مجموعه جمهوری اسلامی ایران شرایط را برای مباحث و گفت‌وگوی اندیشمندان اقتصادی و رجال سیاسی به صورت رسمی در رسانه‌های عمومی فراهم کند؛ م‌ثلاً نشست‌شدن این مباحث به صورت شرط است. نخست‌آنکه این مباحث به کپ و گفده و نمایش‌های رسانه‌ای خلاصه نشده و کشف راه‌حل اساسی انگیزه واقعی و جدی رجال سیاسی باشد. همچنین باید از حضور همه اندیشمندان اقتصادی برجسته استفاده گردد و فرصت برابر به دگراندیشان داده شود تا آنان نیز به تفصیل نظرات و ادله خود را به پیشگاه ملت و سایر اندیشمندان ارائه نمایند؛ توصیه جدی می‌نماییم که بگذارید اندیشه‌ها با هم بیکار کنند. سوم، رجال سیاسی در نظر داشته باشند که بدون تواضع در برابر علم و به‌کارگیری جدی آن موفقیتی انتظار نمی‌رود و خواسته ملت از آنان داده و رای علم را بپذیرند. چهارم، به استادان و صاحب‌نظران اقتصادی نیز لازم است که به ارائه نظراتی مبتنی بر اصول پذیرفته‌شده علم جهانی اقتصاد و دستاوردهای بشری آن دانش که به تجربه در ممالک پیشرفته دنیا کارآزمودگی و سودمندی خود را پس داده است اتکا نموده و از پافشاری بر نظرات شخصی بدون پشتوانه علمی جدا بپرهیزند. مورد آخر که از همه مهم‌تر می‌باشد، امر تصمیم‌گیری است. در عقب مباحثه و گفت‌وگو جمع‌بندی و انتخاب می‌آید و اینجاست که سرنوشت تعیین می‌گردد. ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود که در وهله اول دولت حاضر رویکرد اقتصاد وادی را اتخاذ نموده و رسماً اعلام نماید و سپس در انتخاب و ترکیب راه‌حلا و نظرات گوناگون اقتصادی دو معیار مرجعیت علمی و مجرب‌بودن را مدنظر قرار دهد؛ یعنی آن برنامه‌ای را که دارای سندیت علمی قوی‌تر بوده و کارآزمودگی خود را در شرایط مشابه در سایر ممالک دنیا پس داده باشد، افضل و ارجح بداند. تأکید می‌شود در صورت اتخاذ تصمیمات مبتنی بر شهود شخصی و نظرات و تصمیمات بدون پشتوانه علمی، کشور به سمت یک آزمایش خطرناک پیش خواهد رفت که موفقیت و شکست آن معلوم نخواهد بود. مسلح است که در شرایط خطیر کنونی هیچ‌گونه آزمون و خطایی قابل توجیه نمی‌باشد.